



به دنبال انتشار الکترونیکی آن یادداشت، یکی از همکاران دانشگاه تبریز نظری چنین نوشت:

یادداشت ارزشمند جنابعالی درباره عبارت «هزار سال بزی» را خواندم. مطلبی نو و جالب است. اما جسارتاً با استنتاج شما درباره خاستگاه این عبارت (ماوراءالنهر) نمی‌توان موافق بود، چه اولاً اکثر کسانی که این عبارت از آثار آن‌ها به عنوان نمونه نقل شده است ماوراءالنهری نیستند، زیرا می‌دانیم ماوراءالنهر واحد جغرافیایی مشخصی است که نباید آن را با خراسان و خوارزم در آمیخت. بدین ترتیب عنصری، بلخی و انوری ابیوردی خراسانی‌اند و بیرونی و زمخشری خوارزمی. منوچهری دامغانی را نیز با استدلال ضعیف نوخاستگان (اصطلاح از بیهقی بزرگ است) نمی‌توان افغانی کرد. ثانیاً در آثار نویسندگان دیگر نقاط ایران نیز نمونه‌هایی از این دست عبارات را می‌توان یافت. از جمله در مجمل التواریخ و القصص مجهول المؤلف که به احتمال بسیار نویسنده آن از اهالی حدود همدان بوده است و در گزارش پادشاهی همای چهارآزاد این‌گونه می‌گوید «و اندر عهد خویش بفرمود که بر نقش زر و درم نوشتند: بخور بانوی جهان هزار سال نوروز و مهرگان» (تصحیح نجم آبادی، ص ۴۵-۴۶. البته در تصحیح شادروان بهار توضیحات سودمندی نیز درباره این عبارت آمده است).

به آن دوست دانش دوست پاسخ ندادم، زیرا نه هویت و شخصیت همای چهارآزاد در تاریخ (و نه اسطوره) ایران شناخته شده و نه چنین سکه‌ای از او (یا کس دیگری، به فرض اشتباه گرفتن نویسنده مجمل التواریخ و القصص) به دست آمده است. اگر همای چهارآزادی نیز در تاریخ وجود

سه نکته در «هزار سال»

محسن جعفری مذهب

عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی
jafarimazhab@gmail.com

یک، انتشار نوشته آقای باقر قربانی زرین درباره عبارت «هزار سال بزی»^۱ موجب انتشار یادداشتی از سوی من با عنوان «درباره هزار سال بزی»^۲ شد. در آن یادداشت به استناد سکه‌ای که در سال ۱۶۱۰ ق در اوزگند ضرب شده است و بعدها در نوشته‌ای با عنوان «عدل ختایی» منتشر شد،^۳ نظرم آن بود که شاید بتوان محدوده جغرافیایی عبارت «هزار سال بزی» را در ماوراءالنهر دید. گمان داشتم دیگر اشارات نیز برگرفته و نقل قول از همین منابع کم و بیش ماوراءالنهری باشند. در نهایت، این نگارنده از قرائن ارائه داده به این استنباط قوی رسیده بود که عبارت «هزار سال بزی» (یا عبارات مشابه)، منشأ ماوراءالنهری داشته، مگر آنکه قرائن مخالف آن افزونی یابند.

۱. نامه فرهنگستان، ش تابستان ۱۳۸۲.

۲. نامه فرهنگستان، ش ۲۹، بهار ۱۳۸۵.

۳. نامه انجمن س ۷، ش ۴، زمستان ۱۳۸۵.

اشاره جوینی، باز هم نشان از رواج اصطلاح دعایه «هزار سال» در خراسان و ماوراءالنهر دارد.

سه. به تازگی در یکی از حراجی‌های بین‌المللی کتابی برای فروش عرضه شد^۱ که به استناد دو عکس از برگ‌های کتاب شرح رسال القطیبه من تصانیف المحقق الهروی از نویسنده‌ای است که از خود به نام «المفتقر الی الله الغنی احمد بن اسمعیل الدرانی القندهاری» یاد می‌کند. معرفی کننده می‌نویسد که در انجامة (برگ ۱۲۲ پ) تاریخ کتابت به سال ۱۱۲۹ ق و به دست عبدالکریم بن رحمانقلی بن قل محمد در مدرسه روح الافدع (؟؟) بخارا به پایان رسیده است. اینها زیاد مهم نیست. کتاب جلد نفیسی دارد که بر آن دو بیت شعر زیر دیده می‌شود:

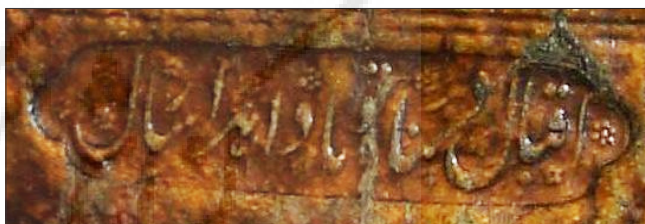
می‌داشت، باز هم پایتختش در بلخ می‌بود که البته نظر من را تأیید می‌کرد. ربطی هم به ناقل (شاید همدانی) خبر نداشت. البته متأسفانه همکار ما نمونه دیگری ارائه نکرده بود که قابل پاسخ بهتر و پیگیری بیشتری باشد.

دو. مرحوم قزوینی (مسائل پارسیه، ج ۱، ص ۱۳۰) می‌نویسد: امروز (۱۰ اوت ۱۹۲۰) دو بیت در جهانگشای جوینی دیدم که دست همه اینها را که تاکنون می‌دانستم گویا از پشت بسته است:

شاهها هزار سال به ملک اندرون بمان
وآنکه هزار سال بعز اندرون بیال
سالی هزار ماه و مهی صد هزار روز
روزی هزار ساعت و ساعت هزار سال



شاهها بقای عمر تو بادا هزار سال



اقبال در پناه تو بادا هزار سال



سالی هزار ماه و مهی صد هزار روز



روزی هزار ساعت و ساعت هزار سال سینه ۲...

بیت دوم نشان می‌دهد که ششصد سال پس از جوینی، هنوز این بیت در ماوراءالنهر فروشنده و خریدار داشته است.

1. http://www.bouwmanbooks.com/view_item_details.php?id=1788

۲. به دلیل افتادن نور زیاد قابل خواندن نیست.